

اسم او

**عجیب**

خواهد بود

اسم او

**عجیب**

خواهد بود

[www.rahibesoooyenejat.blogfa.com](http://www.rahibesoooyenejat.blogfa.com)

از الان تا ابدالاباد ثابت و استوار نماید» (اش ۶: ۹ و ۷). این شخص که تا ابدالاباد بر تخت حضرت داود سلطنت خواهد کرد و اسم او «عجیب» خواهد بود کیست؟ کاملاً واضح است که این شخص خود عسی مسیح می باشد که قریب هفتصد سال بعد از اشعیا متولد شد. او از طریق مادرش از نسل داود بود، به همین دلیل اغلب وی را پسر داود می خواندند. شکی نیست که او عجیب ترین وجودی است که بر روی زمین ظاهر شده است. اینک خوب است که راجع به بعضی از صفات عجیب این شخص بزرگ قدری تفکر کنیم.

### ۱- تولد مسیح عجیب بود

تمام کسانی که از زمان آدم تا حال متولد شده اند دارای مادر و پدر بوده اند، ولی عسی مسیح پدر جسمانی نداشته است و غالباً او را عسی این مریم می گویند، چون که از دختر باکره تولد یافت. این حقیقت مطابق پیشگویی اشعیا نبی است که فرمود: «اینک باکره حامله شده پسری خواهد زاید» (اش ۷: ۱۴) و نیز منطبق است با پیام جبرائیل فرشته هنگامی که مژده تولد عسی را به مریم داده، گفت: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند، از این جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد» (لو ۱: ۳۵).

آیا به غیر از عسی مسیح شخص دیگری را می شناسید که به این طرز عجیب وارد دنیا شده باشد؟

## آیا کسی را می شناسید که نامش «عجیب» باشد؟

ما هر روز اشخاصی را ملاقات می کنیم که دارای اسامی بسیار زیبا و مناسبی هستند و گاهی هم اسم هایی را می شنوم که غریب و غیرمتناسبند، ولی من در تمام عمرم کسی را ندیده ام که به اسم «عجیب» موسوم باشد. همچنین در تمام کتب تاریخی یا افسانه هایی که خوانده ام خبر کسی را نشنیده ام که دارای این اسم باشد. ولی در یکی از قسمت های کتاب مقدس، یعنی در کتاب اشعیا نبی که قریب دو هزار و هفتصد سال پیش از این نوشته شده است، پیشگویی را درباره شخصیت بسیار بزرگی می خوانیم که باید ظاهر شود و اسمش را «عجیب» بگذارند، چنانچه نوشته شده است: «زیرا که برای ما ولدی زائیده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب خوانده خواهد شد، ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آن را به انصاف و عدالت

## ۲- پیشگویی‌ها راجع به مسیح عجیب بود

انبیای پیشین مثل داود، اشعیا، میکاه، دانیال و غیره، نه تنها توند مسیح از باکره را قبلاً خبر دادند، بلکه محل تولد او، معجزات و زحمات او، مرگ او (که لازم بود برای گناهکاران فدییه شود)، زنده شدن او و سلطنت ابدی او را نیز پیشگویی کرده بودند.

راجع به هیچ کس دیگری که در این دنیا متولد شده است این قدر پیشگویی‌های عجیب در کتب آسمانی یافت نمی‌شود!

## ۳- بی‌گناه بودن مسیح عجیب بود

چه بسا مردمان خوبی در این دنیا زندگی کرده‌اند، ولی می‌بینیم که به هر اندازه که اینها مقدس بوده‌اند، به همان قدر به کثرت و قباحات گناهان خود پی برده و از خدا طلب مغفرت می‌کردند. لیکن عیسی مسیح توبه و استغفار نمود، زیرا حتی یک گناه و زندگانی پاک او راه نیافت و هیچ یک از احکام الهی را زیر پا نگذاشت. او روزی به دشمنان خود گفت: «کیست از شما که مرا به گناه ملزم سازد؟» (یو ۸: ۴۶). حواریون مسیح راجع به او نوشته‌اند: «هیچ گناه نکرد، و مکر در زبانش یافت نشد، چون او را دشنام می‌دادند دشنام پس نمی‌داد، و چون عذاب می‌کشید تهدید نمی‌نمود... قدوس و بی‌آزار و بی‌عیب و از گناهکاران جدا شده» (۱- پتر ۲: ۲۲ و ۲۳، عبر ۷: ۲۶).

آیا چیز بسیار عجیبی نیست که در این دنیای شریر منحصرأ یک نفر ظاهر شده که ابدأ احتیاجی به توبه و استغفار نداشته است؟

## ۴- محبت مسیح نسبت به گناهکاران عجیب بود

اشخاص نیکو طبعاً از بدی متنفرند و هر شخص یک از ناپاکی منزجر می‌باشد.

بدیهی است که عیسی مسیح که پاک و از هر گونه گناه مبری بود، طبعاً از گناه نفرت داشت. بدین جهت شاید تصور کنیم که لازم بود مسیح خود را از گناهکاران نیز دور نگه دارد. ولی بالعکس بجای اینکه خود را از گناهکاران جدا کند. با آنان معاشرت کرده، غذا می‌خورد و راجع به محبت خدا با ایشان صحبت می‌کرد، و هنگامی که توبه می‌کردند با آغوش باز آنها را می‌پذیرفت و می‌فرمود: «من نیامده‌ام تا عادلان را، بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم». از این لحاظ بود که دشمنانش وی را «دوست گناهکاران» نامیدند.

آیا چیز عجیبی نیست که آن کسی که گناهکاران را از هر شخص دیگر بیشتر محبت می‌نمود، همان است که از همه پاکتر بود؟

## ۵- قدرت مسیح در بخشیدن گناهان عجیب بود

هیچ کدام از پیامبران قدرت نداشتند شخصاً گناهان مردم را ببخشند. لیکن روزی مفلوجی را نزد مسیح آوردند تا وی را شفا دهد. مسیح ابتدا گناهان او را بخشید، ولی دشمنانش که در آنجا حاضر بودند، خیال کردند عیسی کفر گفته است، زیرا غیر از خدا هیچ کس نمی‌تواند گناهان را بپارزد. ولی مسیح فرمود که قدرت دارد گناهان را ببخشد و ضمناً با شفا

دادن شخص مفلوج ادعای خود را ثابت کرد. همین طور زن گناهکاری را که برای نجات نزد او آمد آمرزید و به او گفت «گناهان تو آمرزیده شد به سلامتی روانه شو» (لو ۷:۳۶-۵۰).

آیا این قدرت مسیح در آمرزیدن گناهان عجیب نبود؟

## ۶. معجزات مسیح عجیب بود

گرچه موسی و الیاس و بعضی از پیامبران دیگر دارای معجزات بودند، اما هیچ کس به اندازه عیسی مسیح معجزات بزرگ و متعدد انجام نداده است او مریضان را شفا می داد، ابرصان را طاهر می کرد، کوران را بینایی می بخشید و مردگان را زنده می نمود. نه تنها خودش این اعمال عجیب را انجام می داد، بلکه به شاگردان خود نیز قدرت بخشید تا همین کارها را بکنند. وقتی شاگردان، او را دیدند که به هنگام طوفان، دریا را آرام می نماید، متعجب شده گفتند: «این کیست که باد و دریا هم او را اطاعت می کنند؟» (مر ۵:۴۱)

واقعاً حق داشتند تعجب کنند زیرا مسیح شخص عجیبی بود.

## ۷. تعالیم مسیح عجیب بود

کسانی که تعالیم عیسی مسیح را می شنیدند متعجب شده می گفتند: «از کجا این شخص چنین حکمت به هم رسانید؟!» (مت ۱۳:۵۴) ذیلاً بعضی از فرمایشات عجیب او را نقل می کنیم: «خوشابحال پاک دلان زیرا ایشان

خدا را خواهند دید» (مت ۵:۸).

«هر کس به زنی نظر شهوت اندازد همان دم در دل خود با او زنا کرده است» (مت ۵:۲۸).

«هر کس بر رخساره راست تو سیلی زند دیگری را نیز به سوی او بگردان» (مت ۵:۳۹).

«دشمنان خود را محبت نسایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید، و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید» (مت ۵:۴۴).

«آنچه خواهید که مردم به شما کنند شما نیز بدیشان همچنان کنید» (مت ۷:۱۲).

«هر که در میان شما می خواهد بزرگ گردد خادم شما باشد، و هر که می خواهد در میان شما مقدم بود غلام شما باشد» (مت ۲۰:۲۶ و ۲۷).

«دادن از گرفتن بهتر است» (اع ۲۰:۳۵).

«به شما حکمی تازه می دهم که یکدیگر را محبت نمایید چنان که من شما را محبت نمودم» (یو ۱۳:۳۴).

وقتی این سخنان عجیب را می شنویم ما نیز تعجب می کنیم!

## ۸. فقر و فروتنی مسیح عجیب بود

معمولاً هر پزشکی که بیماران را شفا می دهد، می تواند هدایای آنان را قبول کند و شخص ثروتمندی شود. همچنین مسیح نیز که محتاجان را مداوا

می نمود، می توانست طلا یا جواهرات یا خانه یا املاک برای خود جمع آوری نماید، ولی او حتی جای سر نهادن نداشت. روزی پس از آنکه پنج هزار نفر را با پنج نان و دو ماهی سیر کرده بود، آن جماعت خواستند او را پادشاه خود کنند. ولی مسیح تخت پادشاهی را قبول نکرد، زیرا سلطنت او سلطنت روحانی بود. شب قبل از مصلوب شدنش پای های دوازده شاگرد خود را شست تا سرمشق فروتنی برای آنها بشود. مسیح در موقع مصلوب شدنش هیچ نداشت و تنها دارای وی همان لباس تنش بود که سربازان مأمور اعدامش، آن را بین خود تقسیم نمودند.

آیا عجیب نیست که شخص با قدرتی که توانست حیات، سلامتی، خوراک و نجات به دیگران بدهد حتی مسکن برای خود فراهم ننمود؟!!

## ۹. مرگ مسیح عجیب بود

مسیح در زمان حیاتش چند مرتبه پیشگویی مرگش را کرده و گفته بود که در اورشلیم مصلوب خواهد شد و روز سوم از مردگان خواهد برخاست. ولی چون شاگرد صمیمی او، بطرس این را شنید به او گفت: «حاشا از تو ای خداوند که این بر تو هرگز واقع نخواهد شد» (مت ۱۶: ۲۲). لیکن مسیح بطرس را توبیخ کرده، فرمود که فکر او فکر خدایی نیست، بلکه فکر شیطانی است که می خواهد از مرگ مسیح که برای فدیة گناهان است جلوگیری کند.

هنگامی که موقع مرگ مسیح رسید و دشمنانش برای دستگیری او آمدند، شاگردانش خواستند مانع شوند، ولی خود مسیح نگذاشت و حتی به بطرس فرمود که شمشیر خود را غلاف کند. آن وقت شخصاً جلو رفته خود را به دشمنانش تسلیم کرد. وقتی رؤسا او را مسخره کرده می زدند، او خاموش ماند. وقتی سربازها دست ها و پای های او را میخکوب نمودند، آنان را لعنت نمود و هلاک نکرد، بلکه برای آنان و جمیع دشمنانش دعا نموده، فرمود: «ای پدر اینها را ببامرز، زیرا که نمی دانند چه می کنند» (لو ۲۳: ۳۴). وقتی که بالای صلیب بود رؤسای مذهبی او را تمسخر می کردند، ولی او هیچ جواب نمی داد. بعد از شش ساعت که بر صلیب زحمت دید، ندا کرد: «ای پدر، به دست های تو روح خود را می سپارم» (لو ۲۳: ۴۶). این را که گفت جان بداد. آن وقت یکی از افسران رومی که نزدیک صلیب بود، از طرز مردن مسیح تعجب کرده، گفت: «حقیقتاً این شخص پسر خدا بود». البته عیسی مسیح مجبور نبود بمیرد، زیرا اگر مایل بود می توانست خود را نجات دهد. ولی او داوطلبانه جان خود را قربانی گناه مردم نمود، چنان که اشعیا نبی قرن ها قبل از او گفته بود: «و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید و نادید سلامتی ما بر وی آمد، و از زخم های او ما شفا یافتیم. جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم، و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود، و خداوند گناه جمیع ما را بروی نهاد. او مظلوم شد اما تواضع نموده دهان خود را ننگنود» (اش ۵۳: ۵-۷). یوحنا رسول راجع به مسیح می فرماید: «اوست کفاره به جهت گناهان ما و نه گناهان ما فقط بلکه به جهت تمام جهان نیز» (۱- یو ۲: ۲).

حقیقتاً مرگ مسیح عجیب و بی مانند بود!

## ۱۰- زنده شدن مسیح عجیب بود

جمع پیامبران و مقدسین زمان قدیم مردند و دفن شدند و بدن‌های آنها به خاک برگشت. ولی در مورد عیسی مسیح چیز غریبی اتفاق افتاد، زیرا پس از این که مرد و دفن شد، مطابق پیشگویی خودش از مردگان برخاست! در روز یکشنبه که سومین روز پس از مصلوب شدن و دفنش بود، از قبر بیرون آمده به شاگردانش ظاهر شد. در مدت چهل روز اشخاص زیادی او را زنده دیدند و با او صحبت کردند. آنگاه در حضور شاگردانش به آسمان صعود کرد. او اکنون در آنجا نزد خدای پدر زیست می‌کند.

از تمام اشخاصی که در روی زمین زندگی کرده‌اند، عیسی مسیح تنها کسی است که بعد از مرگ زنده شده و دیگر نمرده است.

واقعاً که شخص عجیبی است!

## ۱۱- پیشگویی مسیح در مورد برگشتنش عجیب بود

هیچ کدام از انبیا قبلی پیش از وفاتشان به پیروان خود نگفتند که خواهند برگشت. لیکن عیسی مسیح مکرراً به بازگشت خود اشاره می‌کرد، و به شاگردان خود فرمود که باید بیدار و منتظر آمدن او بوده، برای یافتن نتایج اعمال خود حاضر باشند. او فرمود که در آخر دنیا با جلال از آسمان خواهد آمد و هر کس او را خواهد دید، آن وقت بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت‌ها پیش او جمع خواهند شد، و بر آنها داوری کرده آنان را از یکدیگر جدا خواهد نمود، چنان که چوبان میش‌ها را از بزها جدا می‌کند، بعضی را برای حیات جاودانی و بعضی را برای عذاب دائمی.

رجعت مسیح چقدر عجیب و با جلال خواهد بود، ولی برای کسانی که او را اطاعت نکرده‌اند چقدر هولناک!

## ۱۲- مقام مسیح عجیب است

هر کسی که حقیقتاً با عیسی مسیح آشنا شود، می‌فهمد که او دارای مقامی است بالاتر از دیگران و لقب‌هایی که او داراست خود شاهد بر این است؛ زیرا بسیاری از مردم او را «روح‌الله» (یعنی روح خدا) می‌گویند و به «کلمه خدا» نیز نامیده شده است. لیکن لقبی که بیشتر در انجیل به او داده شده «پسر خدا» می‌باشد. قبل از تولد مسیح جبرائیل فرشته به مریم مادر عیسی فرمود: «او پسر خدا خوانده خواهد شد». خدا روح است و عیسی هم پسر روحانی خدا است. عیسی غالباً خدا را «پدر من» خطاب کرد. وقتی یکی از شاگردانش از مسیح خواست که پدر آسمانی را به او نشان دهد، جواب داد: «در این مدت با شما بوده‌ام آیا مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دید پدر را دیده است. آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟» (یو ۱۴: ۱۰ و ۹) در موقع دیگری مسیح فرمود: «من و پدر یک هستیم» هیچ کدام از پیامبران هرگز چنین ادعایی نکرده‌اند.

واقعاً مقام عیسی مسیح عالی و عجیب بود!

## ۱۳- نفوذ مسیح در دنیا عجیب است

قابل توجه است که عیسی مسیح هیچ کدام از کارهایی را که خیلی از بزرگان دنیا کرده‌اند انجام نداده است. مثلاً کتابی ننوشته، فتوحاتی نداشته،

دولتی را تأسیس نکرده، بر تخت سلطنتی ننشسته، و چیز عجیبی مثل چراغ برق و رادیو و غیره اختراع نکرده است. بیشتر عمر او در شهر کوچکی موسوم به ناصره، جایی که مشغول نجاری بود، صرف شده و خدمت روحانی او از سه سال و نیم بیشتر طول نکشید. با وجود این او امروز معروف ترین شخص دنیاست! کتاب انجیل که شاگردانش راجع به او نوشتند، به بیش از هزار و پانصد زبان ترجمه شده و از هر کتابی که در عالم نوشته شده است، بیشتر به فروش می رسد. هزاران نفر از مردان و زنان وطن خود را ترک کرده به تمام دنیا برای انتشار انجیل رفته اند. در بیشتر ممالک اشخاص زیادی هستند که او را دوست دارند و افتخار می کنند که پیروان او باشند و حاضرند جان خود را در راه او نثار کنند.

کسی که بعد از هزار و نهصد سال هنوز دارای چنین نفوذ عظیمی است واقعاً شخص عجیبی می باشد!

#### ۱۴- معاشرت همیشگی مسیح با پیروانش عجیب است

مسیح قبل از صعود به آسمان نه تنها پیشگویی بازگشت پرجلال خود را در آخر دنیا نمود، بلکه به شاگردان خود وعده نیز داد که همیشه روحاً با آنها خواهد بود، چنان که فرمود: «رفته همه امت ها را شاگرد سازید ... و اینک هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم». (مت ۲۸: ۱۹-۲۰). در وقت دیگری فرمود: «جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند، آنجا در میان ایشان حاضرم». لذا وقتی که مسیح به آسمان رفت شاگردانش تنها نبودند

که محتاج باشند شخص دیگری بیاید و جای مسیح را بگیرد، زیرا خود مسیح به وسیله روحش نزد آنها باقی مانده بود، و تا امروز پیروان خود را راهنمایی و تقویت فرموده تسلی می دهد، آنها را می بخشد و از گناه پاک می کند و محبت خدا را برای آنها ظاهر می سازد. او چون که از مردگان برخاست و تا ابد زنده است می تواند ما را کمک نماید. مسیح میل دارد تمام بشر با او دوست باشند، پس هر کس را به سوی خود دعوت کرده می گوید: «بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و گران باران و من شما را آرامی خواهم بخشید». (مت ۱۱: ۲۸).

دعوت دلنشین مسیح چه دعوت عجیبی است؟!